

معلم ورزش معلم‌ترین است

گفت و گو با علی محمد مرتضوی

سманه آزاد



سکان
نیوز
ایران

اشارة

معلم ورزش نداشتیم، دانشگاه‌ها هم در آن دوران تعطیل بود. ما از این فرصت استفاده کردیم و از استادان دانشگاه‌ها دعوت کردیم و توانستیم ۸۰۰ دختر و پسر را طی یک سال آموزش دهیم و به عنوان معلم مقطع ابتدایی در مدارس استخدام کنیم. خاطره‌های درباره این طرح دارم که شاید بد نباشد بشنوید. به اتفاق آقای مصطفی داوودی که مدیر کل تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش بود، خدمت آقای رجایی که وزیر آموزش و پرورش بود رسیدیم و گفتیم می‌خواهیم برای دوره ابتدایی، معلم ورزش پرورش دهیم. ایشان لبخندی زد و گفت همین‌ها یی که در دوره‌های راهنمایی و دبیرستان هستند مگر چه می‌کنند؟ توپ را از پنجره ببرون می‌اندازند در حیات! این کار را حتی فراش مدرسه هم می‌تواند انجام دهد! ما هیچ استدلالی در این باره نداشتیم. چون شهید رجایی خودش معلم بود و با فضای مدرسه آشنایی داشت و به عینه دیده بود. اما ما برنامه‌ای را به نام بازی‌های دبستانی ترتیب دادیم. سپس در یک روز زمستانی سرد از آقای رجایی دعوت کردیم که اجرای برنامه بازی‌های دبستانی را ببیند. ایشان هم پذیرفتند و آمدند. در سالان فردوسی سابق که جنب اداره کل بود، سه نفری روی سکوهای سیمانی یخ‌زده نشستیم و حدود ۹۰ دقیقه آقای رجایی دستش را زیر چانه‌اش زد و تمرین مربی با چه هارا تماشا کرد. چون بازی‌های دبستانی بدون هیچ وسیله‌ای بود، بعد که کار مربی تمام شد به دفتر کار من برگشتیم. آقای رجایی به آقای داوودی گفت شما به من قول بده که در مدرسه چنین معلم ورزشی داشته باشیم من هم قول می‌دهم

اگر کارنامه کاری علی محمد مرتضوی را مرور کنیم به مسئولیت‌های گوناگونی برمی‌خوریم. از معلم ورزش تا کارشناس مسئول تربیت بدنی استان تهران؛ از مدیر کل تربیت بدنی استان تهران در سازمان تربیت بدنی تابعی رئیس و رئیس فدراسیون فوتبال. گرچه این کارنامه کاری شامل مسئولیت‌های گوناگونی است اما او همواره خود را معلم می‌داند. او معلمی را از روستا تا دانشگاه تجربه کرده و اکنون در اتحادیه فوتبال مشغول است. مصاحبه ما با مرتضوی در بحث حمۀ جام جهانی ۲۰۱۴ بزرگ‌یار و لیگ جهانی والیبال صورت گرفت. روزی که قرار بود ایران در نخستین مسابقه خود در جام جهانی به مصاف نیجریه برود و شب پیش از آن هم، تیم ملی والیبال دومین بازی خود با بزرگ‌یار ایران به سرانجام رسانده بود. گفت و گوی ما با علی محمد مرتضوی درباره سایقه‌اش در آموزش و پرورش و دیگر نهادهای ورزشی و نیز اقداماتی است که او و همکارانش در دوره مسئولیت‌شان برای ورزش کشور انجام داده‌اند.

- آقای مرتضوی! گریزی بزنیم به زمانی که شما کارشناس مسئول تربیت بدنی و مدیر کل تربیت بدنی استان تهران بودید. در آن دوران چه اقداماتی برای تربیت بدنی و ورزش در مدارس انجام دادید؟

- من سه بار در آموزش و پرورش به عنوان کارشناس مسئول منصب شدم. در آن دوران در دوره ابتدایی

که من نه معلم دینی و فارسی می‌خواهم نه ریاضی.
فقط بچه‌ها در طول هفته بیایند این بازی‌ها را انجام
دهند و بروند چون همهٔ جوانب در آن دیده شده است!
ایشان همانجا مجوز را صادر کردند و ما توانستیم
برای استخدام ۲۵۰۰ معلم ورزش در ابتدایی اقدام
کنیم. آن ۸۰۰ نفر حاصل همین برنامه بود که البته
عمر کاری ما و شهادت شهید رجایی کفاف نداد و
توانستیم کار را ادامه دهیم.

● **ویزگی‌های آن برنامه چه بود که مورد توجه شهید رجایی قرار گرفته بود؟**

○ ما از بهترین اساتید دانشگاه‌های تهران و علم و
صنعت و ... گزینش کردیم، از سوی دیگر جوانانی که
به ورزش علاقمند بودند اعم از دختر و پسر انتخاب
کردیم که در نهایت ۴۰۰ دختر و ۴۰۰ پسر انتخاب
شدند. سپس آن‌ها را به صورت فشرده آموزش دادیم
و بعد مجوز استخدام در آموزش‌وپرورش را برایشان
صادر کردیم، از بین آن‌ها بیش از ۲۰ مدیر کل
تربیت‌بدنی درآمد.

متأسفانه بعداً این طرح لغو شد. شاید اگر بعداً به
همان صورت عملی، طرح به آقای اکرمی معرفی
می‌شد، مطمئناً ایشان هم آن را می‌پذیرفتند. چون
از دوره ابتدایی است که همه‌چیز شکل می‌گیرد. اگر
ملکتی می‌خواهد پیشرفت کند باید در این دوره
سمایه‌گذاری کند.

● **با توجه به سابقه‌ای که دارید، فکر می‌کنید درس تربیت‌بدنی در هر یک از دوره‌های تحصیلی، باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد؟**

○ من خودم معلمی را از روستا تا دانشگاه تجربه کرده‌ام. آنچه که مهم‌ترین مسئله است، خود معلمان و شخصیت معلم است. چون بچه‌ها در هر مقطعی که باشند به بازی و ورزش علاقه‌مندند و الگویشان هم معلم ورزش است. اگر معلم ورزش انسان وظیفه‌شناس، وقت‌شناس، راستگو، مرتب و منظم و خوش‌بیان باشد بچه‌ها هم مانند او پرورش پیدا می‌کنند.

من در ۱۳۵۳ وارد مدرسه بروزیه تهران شدم. مدرسه‌ما آخرین مدرسه‌تهران بود و دیگر تا شهر ری هیچ ساختمانی نبود. وقتی به بچه‌ها در کلاس گفتم من معلم ورزش تان هستم هیجان‌زده شدند چون سال‌های قبل اصلاً معلم ورزش نداشتند و معلمان درس‌های دیگر سر کلاس بودند. وقتی هم گفتم تخصص فوتیال است هیجانشان بیشتر هم شد. خب چنین داشت آموزانی معلم را الگوی خود قرار

می‌دهند. به نظرم مهم‌ترین مسئله در هر دوره‌ای این است که معلم خود را ساخته باشد، در این صورت است که حرفش به دل بچه‌ها می‌نشیند و دنباله‌رو معلم می‌شوند.

● **این ساختنی که از آن نام می‌برید هم باید اخلاقی باشد هم علمی؟**

○ صد درصد باید همهٔ جنبه‌ها را در بر بگیرد.
نمی‌توان جو کاشت و گندم درو کرد. باید علم و آگاهی و توانایی در حوزهٔ تخصصی را داشت. باید حرکت صحیح را به بچه‌ها نشان داد. بچه‌ها بیشتر از راه چشم یاد می‌گیرند. سال‌ها پیش در تعطیلات نوروز به بوشهر رفتم که مسابقات فوتیال دوره ابتدایی بود. آن زمان مسئول انجمن فوتیال وزارت آموزش و پرورش هم بودم. دیدم که سطح فوتیال بچه‌ها فوق العاده بالاست. از مسئول‌شان پرسیدم بچه‌های شما که در دوره ابتدایی این قدر خوب بازی می‌کنند چرا در

سطح بزرگ‌سالان و باشگاهی بوشهر مطرح نیست؟ پرسیدم چه کسی به این‌ها آموزش می‌دهد؟ چرا معلمانی که در ابتدایی این‌قدر خوب آموزش می‌دهند

در دوره‌های بالاتر موفق نیستند؟ پاسخ داد مابه این‌ها چیزی را نمی‌دهیم. بچه‌ها فوتیال را از تلویزیون تماشایی کنند و همان چیزی را که می‌بینند در زمین اجرا می‌کنند! یعنی بچه‌ها از راه دیدن آموخته بودند در حالی که معلمی به آن‌ها آموزش نداده بود. پس

بچه‌ها بیشتر از راه دیدن می‌آموزند. اگر عمل، رفتار و حرکت‌های معلم خوب باشد بچه هم خوب می‌شود.

متأسفانه ما در مدرسه به معلم ورزش اهمیت لازم را نمی‌دهیم. سال اولی که به تهران منتقل شدم به یک مدرسه راهنمایی رفتم. آخر سال داشتم از بچه‌ها در

حیاط مدرسه امتحان می‌گرفتم. دیدم ناظم نگاهی به کار من انداخت سپس رفت و با مدیر برگشت. مدیر از من پرسید چه می‌کنی؟ گفتم امتحان می‌گیرم. پرسید مگر ورزش هم امتحان دارد؟ گفتم اگر امتحان ندارد پس چرا به من لیست می‌دهید؟ گفت ۲۸ سال

است که در آموزش و پرورشم، چند سال هم هست که مدیر؛ تا حالا ندیدم که برای ورزش امتحان بگیرند. پرسیدم پس در این مدت چگونه نمره ورزش داده

می‌شد؟ گفت خودم نمره ورزش می‌دادم. نمره‌های بقیه درس‌ها را نگاه می‌کدم و بحسب آن‌ها نمره ورزش را می‌نوشتم. حال چنین حالتی را مقایسه کنید با زمانی که من در حال بازنشستگی بودم و اگر

معلم ورزشی گمکن و کورنومتر نداشت و سرکلاس حاضر نبود، انگشت‌نما می‌شد. در آموزش و پرورش در رابطه با تربیت‌بدنی خیلی کار شده ولی هنوز کارهای

اگر مملکتی
می‌خواهد
پیشرفت کند باید
در دوره ابتدایی
سرمایه‌گذاری
کند.
اگر معلم
ورزش انسانی
وظیفه‌شناس،
وقت‌شناس،
راستگو، مرتب،
منظمه و خوش‌بیان
باشد بچه‌ها هم
مانند او پرورش
پیدا می‌کند

شرایط مملکتمنان باشد. با توجه به شرایط آب و هوایی متنوع کشور نمی‌توان برای همه‌جا یک طرح و برنامه ریخت. باید ظرفیت‌های هر بخش کشور را در نظر بگیریم و ورزش مناسب با آنچه را تقویت کنیم مثل کشتی در مازندران، اسب‌سواری در ترکمن و ... در هر منطقه باید علاقه‌مند را در نظر گرفت.

● پس فکر می‌کنید آموزش و پرورش باید با توجه به این مسائل برای هر منطقه برنامه‌ای طرح کند؟ این موضوع را می‌تواند به خود استان‌ها واگذار کند؟ مثلاً ببینید. وظیفه‌ما، آموزش و پرورش است. مثلاً در ابتدایی بنا به علاقه‌بچه‌ها و امکانات، می‌توان ورزش‌هایی را پیش‌رفت و توسعه دهیم. ورزش‌هایی هم که امکاناتی برایشان فراهم نیست معرفی کنیم. وظیفه‌ما در آموزش و پرورش این است که بگوییم مثلاً ورزش بوکس یا کشتی چیست. یعنی دانش آموز بنا به امکانات و شرایط زمانی و مکانی آشنایی اولیه با ورزش‌های اصلی و مهم پیدا کند. اما حوزه تخصصی دیگر به عهده آموزش و پرورش نیست. ورزش قهرمانی به فدراسیون‌ها مربوط است.

● کمی هم به معلمان پردازیم. به گفته شما معلم فارغ از اینکه چه چیزی درس می‌دهد باید الگو باشد. در واقع مجمع خوبی و لطف باشد و آنچه همه خوبان دارند معلم یک‌جا داشته باشد و معلم ورزش بیش از همه.

● بله. بمنظور من معلم ورزش در رأس همه آن‌هاست.

● چرا؟
به خاطر اینکه الگوی عملی بچه‌هاست. وقتی بچه‌ها همراه معلم ورزش به زمین بازی می‌روند، فطرت خود را نشان می‌دهند. بچه‌ها هنگام بازی حالت طبیعی خود را دارند. اگر بچه لجبار، حسود یا دروغ‌گوست، در بازی بروز می‌دهد. معلم ورزش می‌تواند این موضوعات را شناسایی و اصلاح کند. معلمان دیگر این شرایط را ندارند. بچه‌ها معمولاً در کلاس درس‌های دیگر خود واقعی‌شان را بروز نمی‌دهند اما در کلاس ورزش، در شرایط بازی هستند و خود واقعی‌شان را بروز می‌دهند. به این لحاظ عرض می‌کنم که معلم ورزش، معلم‌ترین است.

● چه توصیه‌ای به معلمان ورزش دارید تا بتوانند موفق عمل کنند؟

● توصیه‌من به خودم، شما و همه معلمان این است که اول خود را اصلاح کنند. به چیزی که می‌گویند ابتدا خودشان عمل کنند تا بچه‌ها هم به آن‌ها عمل

دیگری هم باید انجام گیرد. سال اولی که معلم شدم هر روز به مدرسه می‌رفتم و کارم را انجام می‌دادم. روزی در یک جلسه، یکی از همکاران گفت آقای مرتضوی آبروی هر چه معلم ورزش است بردۀ من که نمی‌دانستم چه خطابی از من سرزده پرسیدم: چرا؟ گفت چون هر روز به مدرسه می‌روم! این کار تو باعث شده مدیران پرتوقع شوند. انتظار دارند ما هم به مدرسه برویم! یعنی رفتن معلم ورزش به مدرسه ننگ بودا فکر می‌کردند معلم ورزش فقط باید به باشگاه برود و مسابقه برگزار کند و در مدرسه کاری ندارد. حالا با وضعیت امروز مقایسه کنید.

● به نظر می‌رسد استعدادیابی هم به نوعی از وظایف مربیان ورزش باشد. در گذشته هم این موضوع در آموزش و پرورش مطرح بود؟

○ بله. ببینید! ما می‌توانیم استعدادیابی کنیم اما ورزش قهرمانی در حیطه وظایف آموزش و پرورش نیست. ما چند نوع ورزش داریم. ورزش پرش‌سازی، ورزش همگانی، ورزش قهرمانی و ورزش حرفه‌ای. وزارت آموزش و پرورش وظیفه ورزش پژوهشی دارد.

● این ورزش پژوهشی که از آن نام بر دید چگونه است؟

○ یعنی ما باید ابعاد مختلف شخصیت دانش آموز را، چه جسمی و چه روحی پژوهش دهیم. در این میان استعدادها را هم کشف می‌کنیم اما وظیفه پژوهش آن استعدادها را فدراسیون‌ها بر عهده دارند که ورزش قهرمانی را پی می‌گیرند. آن‌ها وظیفه پژوهش استعدادها را دارند. من ۲۵ سال در آموزش و پرورش مسئول انجمن فوتبال وزارت آموزش و پرورش بودم. هر ساله یکی از وظایف ما برگزاری مسابقات قهرمانی کشور بود. ما این مسابقات را در سطوح ابتدایی، راهنمایی و متوسطه برگزار می‌کردیم. این مسابقات از مرحله مسابقات بین مدرساهای و منطقه‌ای و استانی شروع می‌شد تا به مرحله کشوری می‌رسید. ما بارها و بارها به فدراسیون فوتبال نامه نوشتم و از آن‌ها دعوت کردیم که ناظری بفرستند و از میان بازیکنان چند نفر مستعد را انتخاب کنند و پژوهشی دهند اما هیچ وقت هیچ ناظری نیامد.

○ یکی از نقدهایی که به این طرح‌ها می‌شود این است که اصلاً امکانات اجرای آن‌ها در همه کشور وجود ندارد. به نظر شما این طرح‌ها خوب و نتیجه‌بخش‌اند.

طرحی خوب است که همه جوانب کار در آن سنجیده شده باشد. فقط اگر آرمانی بخواهیم فکر کنیم، نمی‌توانیم کار کنیم. طرح‌ها باید با توجه به

در آموزش و پرورش،
در تربیت بدنی خیلی
کار شده ولی هنوز
کارهای دیگری هم
باید انجام گیرد



هر کس وظیفه خود را انجام دهد این کارها را می توان انجام داد.

طرح منطقه‌ای هم‌مدتها پیش در تهران و فارس به صورت آزمایشی انجام شد. طبق این طرح قرار بود آموزش‌وپرورش، مسجد و سازمان تربیت‌بدنی با همکاری یکدیگر طرحی را پی بگیرند. به این ترتیب که آموزش‌وپرورش، فضا و معلم ورزش را تأمین کند، سازمان تربیت‌بدنی برنامه و تجهیزات را ارائه کند و مسجد نظرات محلی داشته باشد، تا بچه‌ها در محله، فعالیت‌بدنی داشته باشند. این کار انجام شد اما با

نظر وزیر وقت، آقای پروشن- خدا رحمتشان کند- این طرح حذف شد. در جلسه‌ای که با دیگر دولتان در خدمتشان بودیم راجح به چرایی این طرح پرسیدند. من پاسخ دادم اول شما بگویید به عنوان وزیر آموزش‌وپرورش در برابر دانش‌آموزان در خارج از مدرسه چه مسئولیتی دارید؟ ایشان پاسخ دادند که ما فقط در مدرسه مسئولیت داریم. با این دیدگاه من که مجری طرح بودم اعلام کردم اگر نظر شما این است پس دیگر ادامه طرح لزومی ندارد. ما به عنوان آموزش‌وپرورش وظیفه داریم در هر جایی از او مراقبت کنیم. ایشان چنین اعتقادی داشتند و طرح را حذف کردند. به‌حال دیدگاه‌ها با هم فرق داشت. اما من هنوز هم اعتقاد دارم دانش‌آموز در همه‌جا دانش‌آموز ماست. پس ما چرا انجمن‌های اولیا و مربیان را برگزار می‌کنیم؟ برای اینکه بدانیم در خانه با دانش‌آموز ما چگونه رفتار می‌شود تا دوگانگی پیش نماید. در محله و رسانه و تلویزیون هم باید همین طور باشد.

باید ابعاد مختلف شخصیت دانش‌آموز را، چه جسمی و چه روحی پرورش دهیم

● کاش این همکاری فدراسیون‌ها و آموزش‌وپرورش در حوزه ورزش دختران هم بود. بینیدا همکاری فدراسیون والیبال در زمان آقای طلاقانی هم در کشتی این کار را کرد اما تداوم نداشت و با رفتن آقای طلاقانی متخل شد. اما آقای یزدانی خرم چند سالی رئیس فدراسیون بودند و این کار در والیبال ما ریشه دواند و ثمر داد. این می‌تواند یک الگو برای همه فدراسیون‌ها باشد. آموزش‌وپرورش طرح‌های زیادی را در حوزه تربیت‌بدنی پیشنهاد داد و اجرا کرد؛ مثل طرح‌هایی که برای شنا داشت.

کند. قبل از اینکه چیزی را بگویید و به آن عمل کند و ایمان داشته باشد. اگر معلم تربیت‌بدنی این کار را کرد همه کارها اصلاح می‌شود.

● در مورد بقیه ورزش‌ها هم همین طور بود؟

○ بله. بقیه ورزش‌ها هم همین طور بود. چون ما مسابقات کشوری را در حوزه دیگر ورزش‌ها هم انجام می‌دادیم. در مجتمع، والیبال و بسکتبال و ... در فاصله زمانی یک ماه و نیم در رامسر برگزار می‌شد ولی هیچ کاری نکردند. از سوی دیگر ادعا می‌شود که آموزش‌وپرورش هیچ کاری نکرده است. آموزش‌وپرورش مسئول قهرمان پروری نیست. این کار در حیطه فدراسیون‌هاست. ورزش حرفه‌ای هم زیر نظر اتحادیه‌هاست.

شاید در این میان ورزش والیبال استثنای باشد. به خاطر دارم سال‌ها پیش که آقای مصطفی کارخانه مری والیبال تیم‌های نوجوانان و جوانان بودند نتایج خوبی کسب می‌کردیم. شاید بنوان گفت موفقیت‌های تیم ملی بزرگ‌سال‌ما در این روزها ریشه در سرمایه‌گذاری در تیم‌های نوجوان و جوان ما داشته باشد.

○ خاطره‌ای به یاد دارم که نشان می‌دهد ریشه والیبال امروز ما به چه زمانی بر می‌گردد. من کارشناس مسئول تربیت‌بدنی استان تهران بودم. در آن زمان معمولاً رؤسای فدراسیون‌ها، سراغ کارشناس مسئولان نمی‌آمدند ولی آقای یزدانی خرم، روزی پیش ما آمد. ایشان گفتند می‌خواهم که به والیبال کمک کنید. من هم گفتم هر کمکی از من ساخته باشد انجام خواهم داد. گفت: من می‌خواهم چهار مجتمع ورزشی در چهار منطقه در تهران را در اختیارم بگذارید و بخشنامه کنید که معلمان ورزش دانش‌آموزان پسری را که قفسان ۱۸۰ سانتی‌متر است و کلاس اول راهنمایی هستند به ما معروفی کنند. من پذیرفتم اما با یک شرط؛ گفتم چون شما می‌خواهید در اماکن آموزش‌وپرورش به پرورش بچه‌ها بپردازید پس معلمان ورزش باید این کار را بر عهده بگیرند. من کسی غیر از معلم ورزش را نمی‌پذیرم، یعنی معلم ورزش متخصص والیبال بالای سر این بچه‌ها باشد. ایشان هم پذیرفتند. در نهایت بهترین‌ها جمع شدند. معلمان هم که دیدند کار دست خودشان است، استقبال کردند. برنامه را فدراسیون می‌داد و معلم ورزش اجرا می‌کرد. در واقع به معلمان ورزش اعتماد شد. فدراسیون هم نظارت می‌کرد. حاصل آن تجربه، والیبال امروز ماست. مدتی هم آقای طلاقانی در کشتی این کار را پی گرفتند. اگر